پژوهشگاه فضای مجازی

گزارش کوتاه سیاستی - ۲۱

مروری بر الگوی نظارت دیجیتال چین

گزارشی از بلوغ دکترین نظارت و کنترل اجتماعی در چین

پژوهشگاه فضای مجازی

شهریور ۱۴۰۵

معرفی گزارش

این گزارش سیاستی بر پایه یافته‌ها و تحلیل‌های پژوهش لینت اونگ (Lynette Ong) با عنوان «چگونه حزب کمونیست نظارت را برون‌سپاری می‌کند» تدوین شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که حاکمیت چین برای پایش و کنترل فضای مجازی، از الگوی بوروکراتیک، دولتی و تک‌بعدی سانسور مستقیم عبور کرده و یک صنعت تجاری و چندلایه را با مشارکت بخش خصوصی، نهادهای عمومی و شرکت‌های داده‌محور پایه گذاری کرده است. در ادامه، ابعاد ساختاری، معماری فنی، اقتصاد سیاسی و آموزه‌های سیاستی این الگو در قالب گزاره برگ زیر تقدیم می‌شود.

سوژه اصلی گزارش

تلقی عمومی از الگوی کنترل فضای مجازی در چین، الگوی «حذف فراگیر صداهای مخالف» است. حال آنکه دستگاه امنیتی این کشور با درک این واقعیت که انسداد کامل محتوای انتقادی حاکمیت را دچار «کوری اطلاعاتی» و ناتوانی در سنجش نبض جامعه می‌کند، رویکرد خود را بازتعریف کرده است. پکن به‌جای سرکوب کور، الگویی متوازن را به کار بسته تا ضمن مهار امواج اعتراضی، اشراف تحلیلی خود بر وضعیت افکار عمومی را حفظ کند، از انباشت انفجاری خشم زیر پوست جامعه پیشگیری نماید و در عین حال، سازوکار سانسور را از ابزاری صرفاً تدافعی به یک سامانه هوشمند مدیریت ریسک سیاسی ارتقا دهد.

بخش اول:
منطق نظارت، اینترنت و کارکرد «دماسنج اجتماعی»

۱ مرزبندی میان انتقاد سیاسی و تحرک خیابانی

در سازوکار نظارت دیجیتال کشور چین، خط قرمز نه انتقاد از حکومت که سازمان‌دهی تحرکات است. به بیان دیگر، گلایه و انتقاد از حزب حاکم در فضای مجازی تحمل می‌شود، چراکه به حاکمیت امکان می‌دهد نبض افکار عمومی را بسنجد؛ اما به محض اینکه محتوایی مردم را به خیابان فرابخواند یا مقدمه یک کنش جمعی شود، فوراً متوقف می‌گردد.

۲ فضای مجازی به‌مثابه دماسنج اجتماعی

در نظام‌هایی که فاقد انتخابات رقابتی، احزاب مستقل و رسانه‌های منتقد هستند، دسترسی به داده‌های واقعی افکار عمومی مسدود می‌شود. فضای آنلاین در این الگو نقش یک «دماسنج اجتماعی» را ایفا می‌کند تا دستگاه حکمرانی پیش از فوران بحران، از شدت نارضایتی‌ها و نقاط شکست سیاست‌ها مطلع شود.

۳ خطای راهبردی شکستن دماسنج و کوری اطلاعاتی

رویکردی که تلاش می‌کند تمام داده‌های نامطلوب یا پیام‌های اعتراضی را به صورت مکانیکی حذف کند، در عمل دماسنج را می‌شکند تا تب را نبیند. کوری اطلاعاتی حاصل از فیلترینگ گسترده یا حذف بی‌قاعده، حاکمیت را در فضای آرامش کاذب نگه داشته و احتمال غافلگیری راهبردی در برابر بحران‌های عمیق اجتماعی را افزایش می‌دهد.

۴ مهار فساد محلی از طریق بازخوردگیری از افکار عمومی

داده‌های شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری کارآمد برای نظارت حکومت مرکزی بر فساد، ناکارآمدی و سوءمدیریت مقامات محلی و استانی عمل می‌کنند. افشای عمومی یک تخلف در سطح محلی به مرکز این امکان را می‌دهد که با مداخله سریع و عزل مقام متخلف، نقش پاسخ‌گو را ایفا کرده و نارضایتی عمومی را در نطفه مهار کند.

بخش دوم:
اقتصاد سیاسی نظارت دیجیتال

۱ گذار از داوطلبان ایدئولوژیک به یک صنعت درآمدزا

از نظر کارشناسان امنیتی چین، دوره تکیه بر نیروهای ایدئولوژیک، داوطلب و غیررسمی مانند «ارتش پنجاه‌سنتی» به سر آمده است. حاکمیت نیاز سیاسی خود به ثبات را به یک صنعت تبدیل کرده و حول آن یک چرخه مالی شکل داده و از این طریق بخش خصوصی را به سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری‌های تحلیل داده ترغیب نموده است.

۲ مهار تعارض منافع در بازار تک‌مشتری

دولت تنها مشتری این شرکت‌هاست. این وابستگی کامل درآمدی، مسئله تعارض منافع کارفرما و پیمانکار را مهار کرده و شرکت‌های خصوصی را در هماهنگی کامل با سیاست‌های امنیتی و سیاسی حاکمیت قرار می‌دهد.

۳ سرایت تقاضای نظارت به تمام دستگاه‌های عمومی

خریداران خدمات نظارت و مدیریت افکار عمومی صرفاً نهادهای امنیتی نیستند؛ بلکه شهرداری‌ها، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، آموزش‌وپرورش و شرکت‌های دولتی نیز برای پیش بینی بحران‌های سازمانی و ارائه تصویر مطلوب از خود، به مشتریان دائمی شرکت‌های خصوصی پایش تبدیل شده‌اند.

۴ تثبیت چرخه مالی و شکل‌گیری طبقه ذی‌نفع

داده‌های ثبت‌شده نشان می‌دهد اکثر قراردادها به صورت سالانه با پیمانکاران قبلی تمدید می‌شوند. این امر نشان‌دهنده شکل‌گیری یک طبقه ذی‌نفع اقتصادی پایدار است که بقای مالی آن مستقیماً به تداوم و توسعه سازوکارهای پایش داده گره خورده است.

۵ حفظ چابکی فناورانه از طریق برون‌سپاری

دولت توان اداری و چابکی لازم برای همگام شدن مداوم با پیشرفت‌های سریع هوش مصنوعی، مدل‌های زبانی و کلان‌داده را ندارد. برون‌سپاری به دولت اجازه می‌دهد بدون فربه کردن تشکیلات رسمی، همواره از پیشرفته‌ترین ابزارهای فناورانه روز بهره‌مند باشد.

۶ تفاوت انگیزه دولت‌ها در برون‌سپاری دیجیتال و برون‌سپاری فیزیکی

برون‌سپاری اقدامات فیزیکی معمولاً با هدف «انکارپذیری مسئولیت حقوقی و سیاسی» انجام می‌شود. در مقابل، برون‌سپاری دیجیتال با انگیزه فرار از مسئولیت انجام نمی‌شود، چون ماهیت آن برای عموم نامرئی است؛ انگیزه اصلی در اینجا افزایش مقیاس، دقت و سرعت پایش روی بسترهای پرحجم است.

بخش سوم
نقش پررنگ ماشین، نقش غیرقابل حذف عامل انسانی

۱ تمرکز بودجه بر زیرساخت‌های محاسباتی و الگوریتمی

بیشترین حجم بودجه‌های پیمانکاری به زیرساخت‌های محاسباتی، نرم‌افزارهای خزشگر (CRAWLER)، پردازش‌های زبانی و سامانه‌های تشخیص الگوریتمی اختصاص دارد که وظیفه پایش ۲۴ ساعته ترافیک عظیم شبکه را بر عهده دارند. این بخش ۶۲ درصد کل بودجه مصرف شده در حوزه نظارت دیجیتال را به خود اختصاص داده است.

۲ ضرورت وجود عامل انسانی برای زمینه‌کاوی و ارزیابی ریسک

بر خلاف تصور رایج، ماشین و هوش مصنوعی جایگزین تحلیلگر انسانی نشده‌اند. در لایه دوم، تحلیلگران انسانی با مطالعه زمینه فرهنگی، تاریخچه رخدادها، ارجاعات کنایی و سرعت سرایت محتوا، مشخص می‌کنند که کدام پیام صرفاً یک غرولند گذراست و کدام پیام جرقه یک «حادثه امنیتی خطیر» محسوب می‌شود.

۳ نقش نظارت انسانی: پایش توسعه ریسک

الگوریتم‌ها توان تفکیک تمام داده‌ها را به شکل یکسان ندارند؛ از این رو منابع تحلیلی و انسانی به شکل گزینشی تنها روی مسائلی متمرکز می‌شوند که قابلیت تحریک حس همدردی جمعی، پیوند خوردن با مطالبات صنفی و گسترش به دنیای واقعی را داشته باشند.

بخش چهارم

آموزه‌های سیاستی و دلالت‌های تنظیم‌گری

۱ تقدم اصلاح فرآیندها بر سرکوب پیش‌دستانه داده

تلفیق بی‌محابای ابزارهای سنجش اجتماعی با بازوهای امنیتی، کارکرد داده‌ها را تخریب می‌کند. نظام حکمرانی باید زیرساخت پایش داده را ابتدا برای فهم کاستی‌های سیستم و اصلاح فرآیندهای عمومی به کار گیرد، نه صرفاً به‌عنوان ابزاری برای ساکت کردن پیش‌دستانه معترضان.

۲ برون‌سپاری فنی با حفظ حاکمیت داده

تجربه چین اثبات می‌کند که می‌توان با طراحی دقیق معماری داده و حفظ انحصار لایه تصمیم‌گیری حاکمیتی، پروژه‌های نظارتی و راهبردی را به شرکت‌های دانش‌بنیان بخش خصوصی سپرد، بدون اینکه حاکمیت داده دچار خدشه شود.

۳ چرخش تنظیم‌گری از سانسور انتقاد به مهار شبکه‌سازی

نهادهای تنظیم‌گر باید ادبیات مواجهه با فضای مجازی را از «حساسیت به هرگونه انتقاد» به سمت «جلوگیری از شبکه‌سازی‌های مخرب علیه نظم عمومی» تغییر دهند تا مسیر ورود شکایات واقعی مردم به ارکان حاکمیت مسدود نگردد.

۴ تبدیل بازخورد آنلاین به شاخص بازرسی و سنجش عملکرد

استفاده از بازخوردهای مردمی در فضای مجازی می‌تواند به‌عنوان یک معیار شفاف در سنجش بهره‌وری، کشف گلوگاه‌های فساد و ارزیابی رضایت‌سنجی از دستگاه‌های اجرایی مورد استفاده نهادهای بازرسی قرار گیرد.

۵ خطای اتکای محض به الگوریتم بدون تحلیلگر بومی

سرمایه‌گذاری متوازن بر تحلیلگر انسانی همگام با هوش مصنوعی یک الزام راهبردی به شمار می‌آید؛ چرا که صرف بودجه‌های سنگین برای توسعه الگوریتم‌های پردازش زبان، بدون تربیت و به‌کارگیری تحلیلگران مسلط به جامعه‌شناسی سیاسی و بافتار بومی، سیستم‌های رصد را دچار خطای درک و هشدارهای کاذب پرتکرار می‌کند.

۶ ناکارآمدی فناوری پایش در غیاب اصلاح ساختاری

فناوری پیشرفته پایش، جانشین اصلاح ساختاری و پاسخ‌گویی نهادی نیست. دماسنج اجتماعی صرفاً هشداردهنده تب است؛ در صورتی که ساختار تصمیم‌گیر توان درمان علل زمینه‌ای نارضایتی را نداشته باشد، انباشت بحران در زیر پوست جامعه در نهایت کارایی پیشرفته‌ترین سامانه‌های کنترلی را خنثی خواهد کرد.

دیگر گزارش‌ها



پژوهشگاه فضای مجازی
شهریور ۱۴۰۵



پژوهشگاه فضای مجازی
خرداد ۱۴۰۵

WWW
THECSRI
.IR

«گزارش کوتاه سیاستی» نام دسته‌ای از پژوهش‌های فشرده و مسئله‌محور «پژوهشگاه فضای مجازی» است که با هدف به‌روزرسانی سریع دانش سیاستی مخاطبان طراحی شده است. این گزارش‌ها با خلاصه‌سازی پژوهش‌های تفصیلی، دسترسی سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و مدیران را به توصیه های سیاستی تسهیل می‌کنند.

پژوهشگاه
فضای مجازی